

اشک های رتبه ۴۲۲ کنکور زیر طناب دار



نمی خواهند و می خواهند صرف امور خیریه کنند. هنوز مهلت سه ماهه اولیای دم تمام نشده بود که دیه فراهم شد و هفته گذشته اولیای دم بر که رضایت خود را امضا کردند.

شما تقریباً همزمان دو خبر خوب شنیدید نجات از کابوس مرگ و قبولی در دانشگاه چه حسی داشتید؟

صدای خنده مهر داد در گوش نفی می پیچید و می گوید معجزه بود. معجزه به خاطر مادر و پدرم که این همه زجر کشیدند، به خاطر همسرم و به خاطر اینکه آنها آرام گرفتند خیلی خوشحال شدم. نمی دانم من اسمش را می گذارم خوشحالی، شاید اسم دیگری داشته باشد. بعد هم خبر دوم دانشگاه که واقعا حالم را خوب کرد. کسی که سابقه کثیری دارم می توانم دانشگاه بروم؟ زمانی که برای دانشگاه ثبت نام می کنیم هیچ مدرکی در رابطه با سوسه پیشینه گرفته نمی شود. از سویی این امکان را فراهم کردند تا با درس خواندن شرایط فکری و روحی زندانیان تغییر کند پس مانعی نباید وجود داشته باشد. قرار است بزودی از جنبه عمومی جرم محاکمه شوم.

منتظر حکمی هستم که قضات برایش صادر می کنند، امیدوارم خدا اینجام به کمک بیاید، من سعی کردم در مدت حبس توبه کنم، امیدوارم شرایط مجازاتم به گونه ای باشد که بتوانم به دانشگاه بروم. زمانی که به خاطر قتل به زندان رفتم فکر کردم آخر خطم اما با معجزاتی که در زندانم رخ داد متوجه شدم که خداوند همیشه هست و کمک می کند.

و حرف آخر؟

انسان باید در هر لحظه ای امید داشته باشد و تلاش کند حتی اگر در یک قدمی مرگ باشد. در زندان که بودم با خودم نذر کردم که بعد از آزادی با همسرم مستقیم به

گروه حوادث - گفت و گو با زندانی محکوم به مرگ که با یک شرط زیبا بخشیده شد: مهندس عمران که در کنکور ارشد امسال شرکت کرده و وقتی گوشای خوب در دانشگاه خواجه نصیر تهران پذیرفته شده را شاید بتوان متفاوت ترین داوطلب کنکور امسال دانست، مرد جوانی که ۲۴ ساعت پس از برگزاری کنکور نامش برای اجرای حکم قصاص خوانده شد و در زندان رجایی شهر به سوئیت رفت.

زندانی محکوم به مرگ که در دانشگاه قبول شده است. بلافاصله او را شناختم می دانستم چرا در زندان است حدود دو سال قبل به اتهام قتل همکار همسرش دستگیر شد و به زندان افتاد و خیلی زود حکم قصاص ش به درخواست اولیای دم صادر شد. اما انگار خدا با او بود چرا که معجزه ای رخ داد و خانواده مقتول به دلشان افتاد تا او را به خاطر رضای خدا و آرامش روح پسرشان ببخشند. انگار همه چیز دست به دست هم داده بود تا این پسر شهرستانی روی خوش زندگی را ببیند چرا که چند روز بعد از این رضایت زندگی بخش خبر نتایج کنکور هم اعلام شد و او نام خودش را در فهرست پذیرفته شدگان یکی از دانشگاه های مطرح کشور دید.

حالا دیگر از روزهای سیاه ناامیدی و انتظار برای مرگ خبری نیست و مرد جوان به امید آینده ای روشن به زندگی می کند. «وقتی حکم قصاص صادر شد بسا خودم گفتم یا باید روزهایم را به بطالت باخوردن قرض و خوابیدن بگذرانم تا روز اجرای حکم برسد یا به خدا توکل کنم و امیدم را از دست ندهم. گفتم اگر قرار

داشته بود، اینک به بدانی قرار است حکمت اجرا شود قابل توصیف نیست. اما من قرآن و نماز می خواندم و همین مسأله سختی آن لحظات را برایم کم کرده بود.

چه شد که تصمیم گرفتید در آن شرایط درس بخوانی؟

من عاشق درس بودم. در دوران نوجوانی مسر زمین کشاورزی کار می کردم و درس می خواندم. در جوانی و حتی زمانی که سرساز بودم به خاطر اینکه اوضاع مالی خانواده ام خوب نبود در کنار درس خواندن سر کار هم می رفتم و کمک خرج خانواده ام بودم. من در خانواده ای بزرگ شدم که ۶ فرزند دارند و اوضاعی مالی شان اصلا خوب نبود. من برای قبولی در کنکور لیسانس فقط ۴۰ روز درس خواندم و در رشته عمران قبول شدم، اما همیشه دلم می خواست ادامه تحصیل بدهم و زمانی که به زندان افتادم و با آن وضعیت مواجه شدم تصمیم گرفتم که باز هم درس بخوانم.

چطور از شما امتحان گرفتند؟

مسئول امور فرهنگی زندان به سازمان سنجش اطلاع داد

داشت اما آنطور که خانواده مقتول می گفتند وسیله ای از آنجا سرقت نشده بود.

نخستین کسی که با جسد مواجه شده و پلیس را خبر کرده بود همسر مقتول بود. وی در تحقیقات گفت: شوهرم استاد دانشگاه بود و ادبیات فارسی تدریس می کرد. ما دو آپارتمان داریم که یکی از آپارتمان ها محل زندگی مان بود و آپارتمان دیگر تبدیل شده بود به دفتر کار همسرم که کارهای پژوهشی اش را در آنجا انجام می داد. آپارتمانی که همسرم در آن به قتل رسیده در واقع دفتر کارش بود و روز حادثه تا حوالی ساعت ۱۱ شب من هم آنجا بودم و بعد با او خدا حافظی کردم تا به خانه نزد بچه هایم بروم. فاصله دو آپارتمان زیاد نبود و معمولاً شب هایی که همسرم تصمیم می گرفت برای انجام کارهایش در دفتر بماند برایش غذا می بردم. آن شب هم قرار شد تا دیر وقت در دفتر بماند تا یکی از پروژه های کاریش را به اتمام برساند و پس از اینکه برایش غذا بردم پیش بچه ها برگشتم اما خبر نداشتم پس از رفتن من حادثه ای مرگبار در انتظارش است.

وی ادامه داد: وقتی به خانه رسیدم به او زنگ زدم تا اطلاع بدهم که

قتل مرموز استاد دانشگاه در دفتر کارش



رسیده ام اما جواب نداد. احتمال دادم متوجه زنگ گوشی نشده اما وقتی یک ساعت گذشت و دیدم خبری از او نیست نگران شدم. به تلفن دفتر هم زنگ زدم اما جوابی نشنیدم و به همین دلیل به همراه دخترمان راهی آنجا شدیم اما هر چه زنگ زدیم جوابی نگر فتم. با کلید وارد آپارتمان شدیم و ناباورانه چشممان به جسد خونین شوهرم افتاد و وحشت زده همسایه ها و پلیس را خبر کردیم. حالا هم نمی دانم چه کسی همسرم را به قتل رسانده و انگیزه اش چه بوده است. چرا که او با هیچ کس خصومت و دشمنی نداشت و چیزی از دفترش به سرقت نرفته است.

در ادامه، مأموران به تحقیق از همسایه ها پرداختند و آنها متوجه رفت و آمد فرد غریبه ای به داخل ساختمان نشده بودند. از سوی دیگر سالم بودن قتل در ورودی حکایت از این داشت که جنایت از سوی یک آشنا صورت گرفته است. در این شرایط جسد مقتول با دستور بازپرس جنایی تهران به پزشکی قانونی انتقال یافت و یک مظنون آشنا که احتمال می رود در جنایت دست داشته بازداشت شده است و تحقیقات از او ادامه دارد تا اسرار قتل آقای دکتر رازگشایی شود.

گروه حوادث - تحقیقات تیم جنایی تهران به دنبال قتل اسرار آمیز یک استاد دانشگاه در دفتر کارش به بازداشت یک مظنون آشنا در این پرونده منجر شد.

سامت یک بامداد گزارش قتل مردی ۴۵ ساله به قاضی محمد جواد شفیعی بازپرس جنایی تهران اعلام شد. دقایقی از اعلام این گزارش می گذشت که بازپرس جنایی تهران به همراه تیم تجسس پلیس آگاهی راهی محل حادثه که آپارتمانی در طبقه اول ساختمانی در یکی از مناطق پایتخت بود، شدند.

تیم جنایی به محض ورود با جسد مردی حدوداً ۴۵ ساله مواجه شدند که بر اثر ضربه چاقویی که به قلبش وارد شده، به قتل رسیده بود. مقتول دکتری ادبیات داشت و استاد دانشگاه یکی از واحدهای دانشگاه آزاد در پایتخت بود. او علاوه بر تدریس در دانشگاه، چندین جلد کتاب تألیف کرده و بیش از ۲۰ مقاله علمی و تخصصی وی در رشته ادبیات در مجلات ایرانی و خارجی به چاپ رسانده بود. تیم پزشکی پس از معاینه جسد اعلام کرد که حدود دو ساعت از مرگ مقتول می گذرد. این در حالی بود که آپارتمان به هم ریختگی

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)

سایت: www.eghtesad-kish.ir

<h3>تعمیرات</h3> <p>سرد آساکیش</p> <p>تعمیرات کلیه سیستم های برودتی</p> <p>۰۹۱۷۳۶۴۶۸۶۴</p> <p>۰۹۳۴۷۶۹۷۸۴۴</p> <p>۰۹۳۳۷۲۱۶۸۶۴</p> <p>اینستاگرام: sard.asa.kish</p>	<h3>خشکشویی</h3> <p>خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش</p> <p>۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸</p> <p>با مدیریت عسکری</p>	<h3>مفقودی</h3> <p>اصل سند ششدانگ یک باب غرفه در طبقه اول بازار سارینا دو بانضام یک باب پارکینگ در طبقه منفی سه تحت پلاک ۱۲۸ طی سند انتقال شماره ۱۰۷۱ مورخ ۹۱/۱۲/۷ به نام محمد حق پناهی فرزند اکبر به کد ملی ۰۰۴۲۴۶۱۹۶۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<h3>استخدام</h3> <p>نیروی خدماتی (آقا ، خانم ، آقا) باسواد جهت کار در یک شرکت نیازمندیم . متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه کنند.</p> <p>شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>
<h3>صنایع چوب</h3> <p>صنایع چوب حلاج کیش</p> <p>کلیه سفارشات</p> <p>MDF، چوبی</p> <p>دکوراسیون غرفه و منزل</p> <p>تلفن ۷۶۹۸۲۵۲</p>	<h3>خدمات</h3> <p>خدمات برق</p> <p>انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی</p> <p>۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p>	<h3>حمل و جابجایی کالا</h3> <p>با ۶ چرخ در سطح جزیره</p> <p>۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p>	<h3>نیازمندیهای اقتصادی کیش</h3> <p>۴۴۴۲۳۹۱۰ - ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>